سیر نزولی بدهیهای خارجی ایران

بدهی‏های خارجی ایران،که چند سال پیش بصورت‏ یک حربهء تبلیغاتی جنجال‏برانگیز علیه کشور ما درآمده‏ بود،اینک بطور منظم رو به کاهش می‏گذارد و ایران میرود که‏ به کلی از صورت یک کشور بدهکار خارج شود.بدهکاری‏ یک کشور با رعایت دو شرط به خودی‏خود مسأله‏ای‏ نیست.نخست انکه در سررسید بطور منظم پرداخت شود. دوم اینکه کشور بدهکار توان ایجاد ارزش افزوده برای‏ پرداخت بدهی‏های خارجی خود داشته باشد و مجبور نشود هر قرضه کهنه را به قرضه‏ای جدیدتر بپردازد و بر تعهدات‏ خویش بیافزاید.از نظر اقتصادی نیز قرضه یا بدهی خارجی‏ باید به مصرف طرحهای مولد و سودآور برسد و ارزش‏ افزوده‏ای بیش از پرداخت اقساط اصل و فرع ایجاد کند.

در حقیقت جنجالی که علیه بدهی‏های خارجی ایران به‏ راه افتاد،مربوط به اصل بدهی و حجم آن نبود،مربوط به‏ ایجاد نابسامانی در تنظیم برنامهء پرداخت بود که منجر به‏ این شد که بسیاری از تعهدات سررسید شده به موقع‏ پرداخت نشود.نظام ارزی آنروز کشور برای مدتی کوتاه‏ حساب درآمد و تعهدات ارزی خود را از دست داده بود. گرفتاری از آن جهت شدید شد که بیشتر تأخیرات پرداخت‏ مربوط به خریدهای متفرقه بخش دولتی و خصوصی ایران‏ از بخش خصوصی کشورهای مختلف بود و طلبکاران‏ می‏خواستند اسناد تایید شده توسط نظام بانکی ایران‏ را نقد کنند!،نظام ارزی نمی‏توانست به موقع محل پرداخت‏ آنها را تأمین کند.این بود که عمدتا"نه دولتها،بلکه‏ اشخاص خصوصی یعنی افراد و شرکتهای فروشنده نگران‏ دریافت مطالبات خود بودند.اینها به مراکز تضمین صادرات‏ دولت متبوع خویش مراجعه می‏کردند و آن مؤسسات هم از پرداخت موقت و علی الحساب خودداری می‏کردند و به این‏ ترتیب کار تا مرحلهء مداخله دولتها در مسأله مطالبات اتباع‏ خویش گسترش یافت.بانکهای خارجی هم که معمولا" در اینگونه موارد یا اغماض،برای حفظ طرفهای خارجی‏ خود تنخواه‏گردان ارزی معینی را به گردش می‏اندازند تا بدهکار بتواند خود را جمع‏وجور کند،از این کار خودداری‏ کردند و پی‏درپی بر اسناد مطالبات سررسید شده،اگرچه‏ مبلغ هر سند اندک می‏بود،واخواست می‏زدند.دشمنان‏ فرصت‏جو نیز از این جریان حد اکثر بهره‏برداری را کردند و به‏ تبلیغ وسیع علیه کشور ما دست زدند.تلاش آنها این بود که ایران را کشوری ورشکسته،و بدتر از آن،بی‏اعتنا به تعهدات‏ بین المللی خویش،معرفی کنند.مقامات اقتصادی ایران‏ در هر دو بخش خصوصی زود متوجه ابعاد تبلیغاتی‏ و هدفهائی که در پی داشت شدند.در جلسه‏ای در پاریس، رئیس اتاق ایران چنان برآشفت که طرفهای فرانسوی‏ متوجه شدند چه دامی از سوی استکبار جهانی،با استفاده‏ از یک موقعیت نامطلوب تکنیکی که برای ایران ایجاد شده‏ بود،گسترده شده است.انصاف باید داد کوتاه آمدند.آلمانها نیز چنین کردند.به تدریج اعتبارات میان‏مدت و بلندمدت‏ برای پرداخت قرضه‏های سررسید شده ایران در نظر گرفته‏ شد.(یعنی آنچه از ابتدا ممکن بود بی‏سروصدا انجام‏ شود.)این تمدید مهلت یا جایگزینی بدهی کوتاه‏مدت به‏ بدهی بلند مدت و میان‏مدت،فقط می‏توانست فرصتی‏ برای تجدید تنفس اقتصادی و مالی برای ما باشد تا آن حد که فقط"نفس بر"نشویم.تجدید حرکت و شتاب به عهدهء خودمان بود.می‏توانستیم کاهلی کنیم و زمان بگذرد و سررسید وامهای جدید برسد و با مشکلاتی بسیار بزرگتر روبرو شویم.اما،در این مورد خوشبختانه برنامه‏های بینانی‏ و ریشه‏ای به موقع اجرا گذاشته شد.با هر دشواری باید عرضه و تقاضای ارزی خود را هماهنگ می‏کردیم و تمام‏ نظام ارزی را تحت کنترل بانک مرکزی قرار می‏دادیم‏ تا بتواند حساب پرداختهای ارزی جاری و دیداری، کوتاه‏مدت،میان‏مدت،و بلند مدت را داشته باشد.طبیعی‏ است برای آنکه آن واقعهء نامطلوب تکرار نشود می‏باید درآمدهای ارزی را در حد اقل مطمئن قابل وصول برآورد می‏کردیم و هر نوع تعهد ارزی چه از سوی بخش خصوصی‏ و چه از سوی بخش دولتی،به اطلاع و تأیید بانک مرکزی‏ می‏رسید.

آنگاه برنامه‏ای که می‏توان آنرا ریاضت ارزی،اگر نخواهیم‏ بگوئیم ریاضت اقتصادی،بنامیم،به موقع اجرا گذاشته‏ شد.برنامهء تمرکز مطلوب تعهدات-محسوب می‏شد. واردات کشور که در سال 1371 به رقم 23 میلیارد و 274 میلیون دلار رسیده بود،براساس برنامهء تنظیمی در سال 72 به رقم 19 میلیارد دلار و 287 میلیون دلار کاهش یافت‏ در سال بعد،یعنی سال 73 نیز این کاهش،با سرعتی‏ بیشتر،به 12 میلیارد و 617 میلیون دلار رسید.این یک‏ قسمت از موازنهء پرداختهای خارجی بود.مکمل آن صادرات‏ بود که می‏باید افزایش می‏یافت.صادراتمان مرکب از نفت‏ و کالاهای غیرنفتی است در دورهء مورد بررسی متأسفانه‏ بعلت نوسان و تنزل بین المللی قیمت نفت درآمد ارزی‏ ما از صد ور نفت و گاز(دو کالای سرمایه‏ای)از 16 میلیارد و 880 میلیون دلار به 14 میلیارد و 603 میلیون دلار کاهش‏ یافت.یعنی از این محل 2 میلیارد و 277 بیلیون‏ دلار کمتر درآمد ارزی به دست آوردیم.در شرائط گفته شده‏ این امر به هیچوجه برای ما مطلوب نبود.اما از آنطرف، صادرات کالاهای غیرنفتی از 2 میلیارد و 988 میلیون دلار در سال 71،به رقم 4 میلیارد و 831 میلیون دلار در سال 73 افزایش پیدا کرد،یعنی ما زادی برابر یک میلیارد و 843 میلیون دلار بین سال اول و سال آخر برجای گذاشت(البته‏ افزایش 759 میلیون دلار در صادرات سال 72 نسبت به‏ سال 71 را نیز باید در نظر داشت)

نهایت آنکه:تراز بازرگانی خارجی کشور که در سال 1371 معادل 3 میلیارد و 406 میلیون دلار کسری نشان می‏داد در سال 1373 برابر 6 میلیارد و 817 میلیون دلار افزایش‏ بر جای گذاشت.در این مدت خالص رقم منفی خدمات‏ (تفاضل هزینه‏های ارزی بابت خرید خدمات و درآمدهای‏ ارزی بابت فروش خدمات به خارج)از 5 میلیارد و 94 میلیون‏ دلار به 3 میلیارد و 59 میلیون دلار تنزل کرد یعنی در سال 73 معادل 2 میلیارد 35 بیلیون دلار کمتر بدهکار شدیم.با در نظر گرفتن کل این محاسبات(که ارقام آن از نماگرهای‏ اقتصادی سه ماهه اول سال جاری کشور از 6 میلیارد و 504 میلیون دلار منفی در سال 71 به ما زاد 4 میلیارد و 956 میلیون دلار در سال 73 تبدیل گردید.یعنی در مقایسه دو سال مذکور بهبودی معادل 11 میلیارد و 460 میلیون‏ دلار درتراز حساب جاری ارزی کشور ایجاد شده‏ است.انتظار میرفت این روند بهبود در سال 74 نیز ادامه‏ یابد.امّا تصمیم ناگهانی و ضربه‏آسای 31 اردیبهشت‏ماه‏ سال 74 مبنی بر تثبیت قیمت ارز صادراتی بجای آنکه‏ بر صادرات،آنهم درست در زمانی که به نسبت ارز آن نیاز داشتیم،اثر مثبت بگذارد،تأثیر منفی بر جای گذاشت به آن‏ معنی که با یک تصمیم صادراتی را که تا مرز 4 میلیارد و 831 میلیون دلار بالا رفته بود به 3 میلیارد و 243 میلیون‏ دلار کاهش دادیم.خوشبختانه در سال 1374 وضع درآمد ارزی از صد ور دو کالای سرمایه‏ای نفت و گاز بهبود یافت‏ و به رقم 15 میلیارد و 141 میلیون دلار رسید(یعنی 538 میلیون دلار نسبت به سال 73 افزایش بر جای‏ گذاشت)واردات افزایش مختصری نشان داد.خالص منفی‏ خدمات ارزی باز هم کاهش یافت و به رقم منفی 2 میلیارد و 215 میلیون دلار رسید که این رقم در مقایسه با حاصل‏ منفی سال قبل از آن در همین ردیف،معادل 844 میلیون‏ دلار بهبود نشان می‏دهد.نهایت آنکه تراز مثبت حساب‏ ارزی جاری کشور در سال 74 معادل 3 میلیارد و 478 میلیون‏ دلار ما زاد بر جای گذاشت که یک میلیارد و 478 میلیون دلار کمتر از رقم سال 73 می‏باشد.

طبیعی است که علیرغم مثبت بودن تراز ارزی حساب‏ جاری،این کاهش باید جای تأمل باشد و در جبران آن‏ تدابیر اساسی اندیشده شود.تسهیلات اوائل سال جاری‏ می‏باید این دشواری را از پیش بردارد.خوشبختانه آمار مربوط به 3 ماه اول سال جاری بشرط آنکه تا آخر سال‏ روند آن حفظ شود چنین جبرانی را نشان می‏دهد.

آمار برآوردی بانک مرکزی ایران نشان می‏دهد که در سه‏ ماهه اول سال جاری صادرات نفت و گاز به 4 میلیارد و 433 میلیون دلار رسیده است.در همین مدت صادرات کالاهای‏ غیرنفتی به رقم 624 میلیون دلار رسیده،یعنی جمعا" صادرات نفتی و غیرنفتی 5 میلیارد و 256 میلیون دلار بوده‏ است و به این ترتیب در سه ماه اول امسال یک میلیارد و 801 میلیون دلار ما زاد تراز بازرگانی داشته‏ایم.خالص‏ منفی تراز در ارزی خدمات 555 میلیون دلار و رقم نقل‏ و انتقالات 3 میلیون دلار منفی بوده است.به این ترتیب‏ برآورد تراز حساب جاری ارزی در سه ماهه اول سال جاری‏ ما زادی برابر یک میلیارد و 243 میلیون دلار نشان می‏دهد. اگر فقط بخاطر نشان دادن روند حرکت تراز پرداختها همین ارقام را برای تمام سال جاری گسترش دهیم(که‏ با توجه به بهبود قیمت نفت و اصلاحات در زمینه تسهیلات‏ ارزی برای صادرات و تولیدات نسبت به سال قبل،مستبعد به نظر نمی‏رسد،)به نتایج پیش‏بینی شدهء زیر می‏رسیم:

درآمد صادرات نفت و گاز برای تمام سال جاری 17732 میلیون دلار-صادرات کالاهای غیرنفتی 2 میلیارد و 496 مییون دلار(بدیهی است در این زمینه می‏توان پیش‏بینی‏ نمودند که با توجه به اصلاحات انجام گرفته بعدی‏ در مقررات ارزی صادرات از این رقم فراتر رود.بدیهی است‏ یک عامل منفی را هم باید در نظر داشتته باشیم که بر روی‏ صادرات قاچاق تأثیر تشویق‏آمیز می‏گذارد و آن افزایش‏ نرخ ارز در بازار آزاد یا بازار قاچاق ارز است که به مرز 5000 ریال برای هر دلار نزدیک شده است.)به هر صورت کل‏ صادرات کالا و خدمات برای سال جاری براساس محاسبات‏ مذکور معادل 20 میلیارد و 228 میلیون دلار پیش‏بینی‏ می‏شود.رقم واردات با حفظ روند سه ماهه اول امسال برای‏ تمام سال معادل 13 میلیارد و 24 میلیون دلار خواهد بود و ما زاد تراز بازرگانی 7 میلیارد و 204 میلیون دلار قابل برآورد است و با در نظر گرفتن ارقام منفی خدمات و انتقالات برای‏ تمام سال،تراز حساب جاری ارزی کشور برای کل سال‏ معادل 4 میلیارد و 972 میلیون دلار پیش‏بینی می‏شود که‏ معادل یک میلیارد و 494 میلیارد ریال بیش رقم قطعی سال قبل می‏باشد.

بی‏مورد نیست تذکر دهیم که افزایش در تراز بازرگانی‏ و تراز حساب جاری کشور در سالهای اخیر امری است که‏ در موازنهء تراز بازرگانی و تراز حساب جاری ارزی کشور کم‏ سابقه است.بخصوص تراز بازرگانی خارجی نفتی‏ کشور همواره کسری نشان داده و اینک نیز کسری نشان‏ می‏دهد.منتهی در سه چهار سال اخیر از رقم کسری به نحو محسوسی کاسته شده است.

حال که وضع تراز پرداختهای کشور و بهبود محسوس‏ آنرا در پنجسال اخیر با تکیه بر آمار و ارقام قطعی و نیز آمار حاصل از پیش‏بینی‏های منطقی ملاحظه کردیم به موقع‏ است به بحث قبلی یعنی موضوع بدهی‏های خارجی‏ بازگردیم و با استناد به آمار و ارقام مطمئن وضع‏ کشور را در قبال این بدهی‏ها تشریح کنیم.

کل بدهی خارجی کشور در سال 1372 برابر 23 میلیارد و 158 میلیون دلار بود(در حالیکه رسانه‏های خارجی و پاره از از افراد داخل کشور در همان زمان،و البته بدون استناد به آمار و ارقام،آنرا تا 3 برابر رقم مذکور عنوان می‏کردند)از این رقم‏ سهم عمدهء یعنی 17 میلیارد و 618 میلیون دلار آن‏ بدهی‏های کوتاه‏مدت بود که پی‏درپی سر رسید آن فرا می‏رسید و مشکلات گفته شده نیز ناشی از همین‏ بدهی‏ها بود که عدم کنترل و ضعف مدیریت ارزی عامل‏ عمدهء بحران مذکور به شمار می‏رود.بدهی میان‏مدت‏ و بلند مدت ما در آن سال فقط 5 میلیارد 542 میلیون دلار بود.با تقسیط بدهی‏های کوتاه‏مدت و گرفتن مهلت یا جانشین کردن بدهی‏های کوتاه‏مدت با قرضه‏ها و اعتبارات‏ میان‏مدت و بلند مدت در سال 73 روند مذکور معکوس‏ گردید و 421 میلیون دلار نیز از کل بدهی خارجی‏ کشور کاسته شد.نتیجه آنکه:در سال 73 کل بدهی‏ خارجی ایران که معادل/22 میلیارد و 737 میلیون‏ دلار بود.مبلغ 6 میلیارد و 707 میلیون دلار آن کوتاه‏مدت‏ و 00/16 میلیارد و 30 میلیون دلار آن به صورت میان‏مدت‏ و بلند مدت درآمد و این همان تقویت ضریب تجدید قدرت‏ ارزی بود.در سال 1374 باز هم از کل بدهی‏های خارجی‏ ایران 809 میلیون دلار کاسته شد و به رقم 21 میلیارد و 928 میلیون دلار رسید که از این رقم،مبلغ 4 میلیارد و 534 میلیون‏ دلار بدهی کوتاه‏مدت و 17 میلیارد و 392 میلیون دلار بدهی‏ میان‏مدت و بلند مدت بود.

در آخر سه ماهه اول سال جاری کل بدهی خارجی ایران‏ به 21 میلیارد و 485 میلیون دلار رسید یعنی باز هم 443 میلیون دلار از آن کاسته شد.از بدهی آخر سه ماهه اول‏ امسال مبلغ 5 میلیارد و 427 میلیون دلار آن کوتاه‏مدت و 16 میلیارد و 58 میلیون دلار آن میان‏مدت و بلند مدت است این‏ دو رقم اخیر نشان می‏دهد که بر قرضه‏های کوتاه‏مدت‏ افزوده شده و از قرضه‏های میان‏مدت و بلند مدت کاسته‏ شده است،یعنی سررسیدها نزدیک شده است و این امر می‏تواند تأمل‏برانگیز باشد و مقامات پولی و ارزی را باید به‏ اتخاذ تصمیمات لازم را دارد.

برای اینکه وضع بدهی خارجی ایران از نظر سررسید روشن گردد،ذکر این نکته بی‏فایده نیست که بالاترین رقم‏ قرضه خارجی ایران یعنی مبلغ 7 میلیارد و 875 میلیون‏ دلار آن باید امسال پرداخت شود.سال آینده نیز از نظر پرداخت اقساط بدهی‏هائی که سررسید می‏شوند سال سنگینی بحساب می‏آید 0 در سال آینده باید 5 میلیارد و 803 میلیون دلار بدهی خارجی بپردازیم.سال‏ 1377 از نظر مبلغ پرداخت بلافاصله بعد از امسال و سال‏ آینده قرار می‏گیرد که باید 4 میلیارد 26 میلیون دلار پرداخت‏ کنیم.رقم بعدی مربوط به سال 1378 است که معادل 2 میلیارد و 717 میلیون دلار باید پرداخت شود.پس از آن‏ و البته بشرط آنکه قرضهء جدیدی گرفته نشود یا به عبارت‏ دیگر بدهی جدیدی ببار نیاید،پرداخت سالانه از رقم‏ میلیارد تنزل می‏کند در سالهای 79 تا 81 باید بترتیب 663 میلیون دلار و 163 میلیون دلار و 236 میلیون دلار بپردازیم‏ و انشاء الله تعالی خود را از شر بدهی‏های خارجی‏ برهانیم بدیهی است پرداختهای جاری وضع خاص خود را دارد و جزو بدهی‏های مدت‏دار محسوب نمی‏شود.به این‏ ترتیب ملاحظه می‏شود با زمان‏بندی صحیح داریم از حالت آشفتگی ارزی بسوی انظباط ارزی و کاستن از بدهیهای خارجی و پرداخت به موقع بدهی‏های خود حرکت می‏کنیم و این امر بر اعتبار اقتصادی و مالی و ارزی‏ کشور و نیز بر اعتبار ایران از نظر احترام به ایفای به موقع کلیه‏ تعهدات خود افزوده است.